

اوضاع جهان، مخاطرات پیش رو، موقعیت طبقه کارگر و کمونیسم!

مصوب پلنوم ۴۳ کمیته مرکزی حزب

جهان با تغییرات شگرفی روبرو است که حتی نسبت به چند دهه پیش، قابل مقایسه نیست. کارکرد استثمارگرانه شدید کاپیتالیسماز یک سوبه تشدید هر روزه فقر و گرسنگی و تبعیض و نابرابری و محرومیت میلیاردها انسان از ابتدایی ترین امکانات زندگی، و از سوی دیگر به جدال و کشمکش اقتصادی و سیاسی و عملکرد نظامی مستقیم و یا نیابتی قطب های اصلی سرمایه داریمانجر شده است. پیامدهای مخرب جهانی و منطقه ای و محلی عملکرد سرمایه و این کشمکش، گسترش تروریسم دولتی و غیر دولتی و گسترش جنگهای نیابتی منتج از آن، که با افول موقعیت اقتصادی و سیاسی آمریکا در جهان تشدید شده است، حال و آینده پر مخاطره ای را در مقابل بشریت قرار داده است. جهان دارد دور دیگری از مصائب و مشقات نظم وارونه کاپیتالیستی را به سختی تجربه میکند.

جدال و رقابت سبعانه کنونی، دقیقاً انعکاسی از این وضعیت و در سطح پایه ای تری از رقابت فزاینده غولهای اقتصادی سرمایه داری بر سر سهم بری بیشتری از ارزش اضافه حاصل کار طبقه کارگر است. تشدید کشمکش و رقابت بر سر بارآوری بالای کار به کمک رشد سریع تکنولوژی دیجیتال و کاربست بیسابقه روباتها و سیستمهای کامپیوتری بسیار پیشرفته در تولید و توزیع، مسابقه تورسیم فضائی میلیاردرها، گویای جدال بر سر فتح جهانی ثروت و سود اندوزی حریصانه ایست که میان سرمایه داران مقتدر و دولتهای کارگزارشان سرعت گرفته است. این تحولات در دنیائی رخ میدهد که هیچوقت اینقدر بهم تنیده نبوده است. تکمیل شدن تمام و کمال

صفحه ۲

Statement by the Worker-communist party of Iran – Hekmatist on

The present state of the world, the dangers ahead, and the position of the working class and communism

Approved by the 43rd Plenum of the Central Committee of the Worker-communist party of Iran – Hekmatist, October 2021

The world is currently going through tremendous changes unprecedented even compared with the few decades prior. The extreme exploitative functioning of capitalism has exacerbated, on the one hand, the poverty, hunger, discrimination, inequality and deprivation of billions of people from the most basic necessities of life on a daily basis, and has resulted, on the other hand, in the politico-economic conflicts of interest that have, in turn, often entailed military actions, both direct and proxy, on the part of the big capitalist powers. The devastating global, regional and local consequences of capitalist practice and its resulting conflicts, the spread of state and non-state terrorism and the resulting proxy wars, intensified by the decline of the US economic and political position in the world, has brought the humanity-



بیانیه حزب در باره اوضاع جهان

آنچه میخوانید، متن فارسی و ترجمه انگلیسی سند «اوضاع جهان، مخاطرات پیش رو، موقعیت طبقه کارگر و کمونیسم» است که در پلنوم ۴۳ کمیته مرکزی حزب در ماه اکتبر ۲۰۲۱ به تصویب رسیده است.

خواندن و توزیع این سند را به خوانندگان کمونیست توصیه میکنیم. سردبیر.

جهان بدون

فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

بدون

«خطر» سوسیالیسم،

به چه منجلائی تبدیل

میشود!

منصور حکمت

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اوضاع جهان، مخاطرات پیش رو، موقعیت طبقه کارگر و کمونیسم ...

است، بلکه اردوی بورژوازی غرب را هم دربرگرفته و به رقابت و مسابقه تسلیحاتی دولتهای بورژوازی کشورهای اروپای واحد، ناتو و آمریکا نیز در رقابتها هم دامن زده است.

آمریکا، چین، روسیه، اروپای واحد، ژاپن، هند و هم پیمانان آنان در سطوح جهانی و منطقه ای و محلی در پیشبرد این سناریو علیه بشریت شرکت دارند. چین قطب بورژوا امپریالیستی در حال صعود قرن بیست و یکم است که با دولتی مستبد و تماما پلیسی و جامعه ای کاملا بسته در عین حال متکی به کار بسیار ارزان طبقه کارگر پا به صحنه این رقابت بویژه در عرصه اقتصادی گذاشته است و چشم انداز تبدیل شدن به قدرت اقتصادی اول دنیا را دارد. این دولت هم از کار ارزان کشورهای کمتر توسعه یافته استفاده میکند، و هم با پائین نگاهداشتن سطح بسیار نازل کار ارزان صف چند صد میلیونی طبقه کارگر در چین، کاهش دستمزدها و دیگر مطالبات را به کارگران دیگر کشورها از جمله و بویژه کارگران کشورهای غربی به نفع دول بورژوازی در این کشورها تحمیل کرده است.

روسیه تحت هدایت پوتین ناتوان از رقابت اقتصادی موثر در سطح جهانی و اساسا متکی به قدرت و زورگویی نظامی، متحد و همدست چین است. این دو دولت، علنا و عریاناز دولتهای مستبد و جنایتکار بورژوازی دست به ماشه در دنیا علیه کارگر و کمونیسم و آزادیخواهی، تحت عنوان رقابت با آمریکا و دیگر دول غربی، حمایت میکنند. کارکرد این قدرتهای ارتجاعی به همراه کارکرد هیئت حاکمه آمریکا و دیگر قدرتهای بورژوا - امپریالیست غربی جهان را در مسیر قهقرا قرار داده است.

کانونهای بحران در سطح جهان!

جدال قدرتهای اقتصادی - سیاسی، مستقیما در کانونهای بحرانی جهان بازتاب داشته و دارد. افول موقعیت آمریکا و عرض اندام گسترده تر اقتصادی و سیاسی چین، معادلات جهانی را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. پیامدهای کشمکش قطب های بزرگ اقتصادی و سیاسی جهان، در کانونهای اصلبحران، خاورمیانه، جنوب شرق آسیا، و دیگر مناطق پرتنش مانند آمریکای لاتین و آفریقا و در خود غرب و اروپا قابل مشاهده است.

خاورمیانه: کانون اصلی معضلات قدیم و جدید!

خاورمیانه ی پرتنش، با مکان استراتژیکی، اقتصادی آن برای قطبهای بورژوازی جهان، با حل نشدن مسئله قدیمی فلسطین، با گسترش اسلام سیاسی و کشمکش تروریسم دولتی و اسلامیدر آن و با گانگستریسم و تروریسم جمهوری اسلامی که به منطقه و

جهانی شدن سرمایه (گلوبالیزه شدن)، امکان دسترسی به جدیدترین اخبار و تحولات اجتماعی و سیاسی و سرعت حمل و نقل، جهان را عملا بصورت دهکده کوچکی درآورده است.

نتایج تقلاي مخرب و سیری ناپذیر بورژوازی برسر انباشت و تراکم هرچه بیشتر سرمایه را در ابعاد عظیم مصائب و مشقاتی شاهدیم که در متن همین پیشرفت صنعتی و انفورماتیک و در عصر فراوانی، در ابعاد صدها میلیونی به طبقه کارگر و دیگر مردم کم درآمد تحمیل میشود. فقر میلیاردری از سویی و تراکم سرمایه و ثروت اجتماعی در دست سرمایه داران متکی به دولت و کل ابزارهای سرکوب و تحمیل و سلب اراده از میلیونها انسان فاقد مالکیت از سوی دیگر، سیمای وارونه جهان کاپیتالیستی را ترسیم میکند. تناقض عمیق شیوه تولید کاپیتالیستی با نیازهای انسان و برخورداری از یک زندگی شایسته انسان، هر روز برجسته تر میشود. این پایه ای ترین معضل جهان امروز است.

طبقه کارگر هیچ راهی جز این ندارد، که متحدانه به میدان بیاید و اساس این نظم وارونه را واژگون و کار مزدی را در هرکشوری که ممکن است، در هر کشوری که حلقه ضعیف بورژوازی است، برچیند و همراه خود همه شهروندان جامعه را از زیر سلطه تولید کاپیتالیستی و پیامدهای مخرب و هر روزه آن آزاد کند. در غیر اینصورتنا وقتی که تولید و وسایل تولید اجتماعی زیر سلطه بورژوازی و با هدف کسب سود است، این وضعیت و بدتر از آنهم همچنان ادامه خواهد یافت.

لذا تنها راه پایان دادن به این شرایط، لغو کار مزدی، لغو مالکیت خصوصی، لغو طبقات، لغو کلیه تبعیضات و پایان دادن به از خودبیگانگی بشر با بزیر کشیدن حاکمیت سرمایه و طبقه حاکمه و استقرار حکومت کارگری و نظم سوسیالیستی است.

افول آمریکا، جهان چند قطبی!

افول موقعیت اقتصادی و سیاسی آمریکا به دنبال پایان جهان دوقطبی شرق و غرب، شکست استراتژی برتری طلبی نظامی آمریکا بر جهان و "نظم نوین جهانی" که عقب نشینی از افغانستان و عراق و خاورمیانه به آن قطعیت بخشید، همراه خود قطبهای درگیر در این کشمکش را در پیمانها و اتحادهای اقتصادی، سیاسی و نظامی جدید و در حال گسترش به میدان آورده است. پیامدهای مخرب جهان چند قطبی تثبیت نشده، همانند اثرات مصیبت بار جهان دو قطبی سپری شده، از خلال مانورهای مشترک نظامی و بند و بست های آنان با دول ارتجاعی هم پیمان خود در مناطق مختلف، در جریان است. این پدیده و مسابقه تسلیحاتی همراه آن به رقبای آمریکا مانند چین و روسیه محدود نمانده

اوضاع جهان، مخاطرات پیش رو، موقعیت طبقه کارگر و کمونیسم ...

فلسطین و ادامه استفاده تروریسم اسلامی از آن خدمت میکند.

جنوب شرق آسیا:

اینجاکنون بحران دیگری است که اکنون و به ویژه در آینده به مرکز زورآزمایی روز افزون چین و آمریکا و متحدان منطقه ای آنها تبدیل خواهد شد. تلاش آمریکا برای جبران موقعیت رو به افول خود با قدرت نمائی نظامی در این منطقه همراه متحدین خود مشخصاً پیمان نظامی اخیر موسوم به "AUKUS" بین آمریکا، بریتانیا و استرالیا، در مقابل چین، انعکاس کشمکش اقتصادی و سیاسی چین و آمریکا در دیگر نقاط جهان و تبدیل کردن این منطقه به کانون پرمخاطره دیگری است. در کل مناقشات جنوب شرق آسیا تایوان و آینده آن یکی دیگر از کانونهای بحرانی این دوره است، که چین و کشورهای غربی بر ادعای خود در قبال آن مصرو طرفین بر هزینه پردازی آن واقفند.

جوامع پرتنش و رنج و ستم فراموش شده!

آفریقا: معضلات عمیق اقتصادی و معیشتی روزمره زندگی میلیونهای انسان، و بحران زیستی و اجتماعی و انسانی عمیق و دردناک، بیش از هر جای دیگر دنیا در قاره آفریقا عمل میکند و عامدانه به حاشیه رانده میشود. پشت همه جنگ ها و فقر و آوارگی و گرسنگی دادن مردم این قاره، منافع ستمگرانه دولتها و اقشار مختلف بورژوازی این کشورها و دیگر دول بورژوازی جهانی و شرکتها و کمپانیهای مقتدر آنان قرار دارند، که اختلافات مذهبی و قبیله ای را نیز در خدمت آن به کار میگیرند. رنج و محنت و آوارگی و مرگ تدریجی انسانهای بیشمار در قاره آفریقا که گاهی در رسانه ها بروز پیدا میکند، ننگ دیگری بر پیشانی نظم سودپرست سرمایه و همه کارگزاران آن است.

آمریکای لاتین: یکی دیگر از مناطق پرتلاطم و ستم و استثمار فراموش شده است. در این کشورها دولتهای عمدتاً نظامی و استبدادی غرق در فساد اداری و رشوه خواری با اعداها و کشتارهای دسته جمعی از مردم خواهان آزادی و رفاه، بویژه بعد از جنگ جهانی دوم با حمایت دولت آمریکا به مردم تحمیل شدند. شبهه سوسیالیسم بورژوازی و ضد امپریالیستی به قدرت رسیده، در کوبا، نیکاراگوئه، ونزوئلا و برخی کشورهای دیگر، علیرغم تلاش برای اجرای برخی رفرمهای مقطعی، اساساً به دلیل محتوای بورژوازی پلاتفرمهای خود و بخشا زیر فشار تحریمهای اقتصادی آمریکا، نه تنها نتوانستند بهبود جدی ادامه دار در زندگی مردم ایجاد کنند، بلکه ادامه حاکمیت شان با گسترش فقر و بی بضاعتی توده مردم همراه بوده است.

دولتهای استبدادی موجود به جای ایجاد بهبود در وضعیت

فرانطقه صادر شده است، هنوز مهمترین کانون بحران در جهان است. برخلاف فضا سازی قدرتها و دولتهای بورژوازی و رسانه هایشان، پایه ای ترین تناقض و به معنای بحران ادامه دارد خاورمیانه، شکاف عمیق بین فقر و ثروت و برآیند انزجار و نارضایتی از وضع موجود است که در غیاب افق و رهبری رادیکال و به ویژه زیر فشار جنگ و کشمکشهای قدیم و جدید ملی و مذهبی نتوانسته به فرجام برسد. دیگر بحرانهای منطقه از این واقعیت ریشه میگیرند.

فراتر از روندها و معادلات و طرحهای قدرتها و دولتهای مرتجع بورژوازی برای شکل دادن به آرایش جدید در خاورمیانه که اکنون با ناکامیها و عقب نشینیدولت آمریکا در آنجا، چین و نظامیگری روسیه در آن وارد عمل شده اند، تا زمانی که در یک طرف فقر شدید صدها میلیونی و استبداد خشن و تروریسم حکومتی تا مغز استخوان ارتجاعی و در طرف دیگر کارکرد تروریسم دولتی قدرتهای بزرگ و متحدانشاندر خاورمیانه عمل کند، این منطقه کماکان کانون بحرانی در جهان معاصر باقی خواهد ماند. این معضل ریشه ای خاورمیانه است که تمامی قدرتهای بزرگ کاپیتالیستی و دولتهای مستبد ملی مذهبی مرتجع سرمنشاء آن هستند.

حل مساله فلسطین و برسمیت شناختن دولت فلسطینی در جوار اسرائیل و پایان دادن به این زخم عمیق، راه حل فوری و ریشه ای خالی کردن زیر پای تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی اسرائیل و پایان دادن به سوختی است که این دو در تقابل با هم از آن علیه مردم در فلسطین و اسرائیل و فراتر از آن تروریسم اسلامی در منطقه و در ابعاد جهانی از آن استفاده میکند. این اتفاق بخشاً درگرو ادامه پیدا نکردن حمایت دایمی و یکجانبه هیئت حاکمه آمریکا و متحدینش از زورگویی دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین است.

قرار بود در غیاب کارکرد افراطیون دو طرف حل این مساله به فرجام برسد. بازگشت تروریسم دولتی افراطیون مذهبی - قومی در دوره شارون به قدرت در اسرائیل و در ادامه آن نتانیاهاو، و همزمان سنگ اندازی گروههای تروریستی طرف مقابل در غزه (حماس و جهاد اسلامی) در مقابل پروسه توافق با دولت اسرائیل حول قرارداد "اسلو" مساله دولت فلسطینی را عملاً نقش بر آب کرد.

اکنون قدرتهای بزرگ زورگو دولتهای مرتجع منطقه عامدانه مسئله اتحاد و همگامی "اعراب و اسرائیل در پیمان ابراهیم" را به بهانه تروریسم جمهوری اسلامیرجسته میکنند. در این معادله، مجدداً موضوع برحق و دیرینه "حقوق مردم فلسطین" قربانی شده و دارند آن را به مساله حاشیه ای تبدیل میکنند که عملاً به نهادینه کردن زخم مساله

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اوضاع جهان، مخاطرات پیش رو، موقعیت طبقه کارگر و کمونیسم ...

محرومان جامعه نیست.

محیط زیست:

تخریب محیط زیست و فجایع کنونی ناشی از آن از دیگر مخاطرات جدی مقابل بشریت است. مسأله محیط زیست یکی دیگر از مواردی است که ریاکاری و عوام فریبی همه دول بورژوازی و سرمایه داران را به نمایش میگذارد. از پیمان پاریس و کف زندهای پایانی شرکت کنندگان آن و نمایشاتی که حول آن راه انداختند، تا نشستی که این روزها تحت نام "COP26" در اسکاتلند برگزار شده است، تا وعده وعیدهای توخالی ای که در مورد "حفظ" محیط زیست به مردم جهان میدهند، همگی اوج این ریاکاری را به نمایش میگذارند.

معضل زیست محیطی، حاصل کارکرد سرمایه در خدمت کسب سود است که اثرات مخربی بر محیط زیست انسان و همه وجوه حیات در کره زمین گذاشته و میگذارد. تا این کارکرد هست، تخریب محیط زیست هم ادامه خواهد یافت.

میان انسان و طبیعت رابطه هارمونیک وجود داشته است. از وقتی که انسان تولید معیشت و مایحتاج زندگی روزانه خود را شروع کرد و با ابزار و صنعت خود مواد زمین را بدین هدف تغییرداد، این هارمونی و وحدت خود را با طبیعت بیان کرده است. سرمایه داری به هدف صرف کسب سود این رابطه را قطع کرده است. طبیعت جامد، تعهدی در مقابل انسان ندارد. این انسان است که برای تولید معیشت و شرایط مادی زندگی خود به طبیعت و حفظ طبیعت متعهد است. انتظار حفظ محیط زیست سرمایه و دولتهای بورژوا، انتظاری بیهوده و توهم است. حفظ محیط زیست و تعهد انسان به آن، عمیقاً به رفاه افراد جامعه، به برخورداری یکسان افراد جامعه از تولید و ثروت جامعه گره خورده است. در محدوده معینی در بعضی از کشورهای اسکاندیناوی که درجه ای از رفاه موجود بوده، حفظ محیط زیست در میان افراد آن جوامع نیز به سنتی تبدیل شده است. وقتی تولید و وسایل تولید در دست یک عده تماماً به هدف کسب سود است، نه تولید بر اساس نیازهای زندگی افراد جامعه، نمایشات و وعده و وعیدهای آنان نیز توخالی بوده و تنها ریاکاری آنان را نشان میدهد. در این عرصه همانند دیگر ابعاد زندگی اجتماعی هر تلاشی در خدمت تخفیف مصائب محیط زیستی، تلاش نیروها و جنبشهای آزادیخواه و مشخصاً در این دوره تحرک از پایین نسل جوان در عقب راندن توحش سرمایه علیه طبیعت و حیات ضروری و مثبت است، اما راهی برای نجات قطعی محیط زیست نیست. حفظ محیط زیست سالم هم در گرو تعیین تکلیف قطعی با عملکرد نظم وارونه سرمایه است. "کاپیتالیسم سبز" توهم است، اینجا نیز باید انتخاب کرد، یا پایان دادن به سرمایه داری یا

صفحه ۵

معیشتی طبقه کارگر و دیگر اقشار محروم آن جوامع، بخش اعظم درآمد آن کشورها را صرف نیروی سرکوب و ساکت کردن اعتراضات اکثریت عظیم مردم کرده اند و با آن از بورژوازی و سرمایه حمایت میکنند. مهاجرتهای دسته جمعی برای تامین معیشت روزانه، محصول سیاستهای ضد کارگری دولتهای بورژوازی این کشورها است.

کاپیتالیسم و فجایع انسانی انبوه!

فاجعه کرونا!

شیوع ویروس کرونا تأثیرات جدی بر معیشت و جان و سلامت انسان گذاشته است. این پدیده به نوبه خود تفوق سودپرستی کاپیتالیسم بر حیات انسان و ناآمدگی و ناتوانی دولتهای بزرگ و کوچک سرمایه داری، برای مقابله با ویروس کووید-۱۹ را به نمایش گذاشت. بر این اساس، ویروس کرونا مسأله عدم تامین معیشت و سلامت و گسترش بیکاری را به معضل عاجل طبقه کارگر و مردم محروم تبدیل کرده است. در غیاب نبودن امکانات پزشکی و بهداشتی و دیرکرد در تامین واکسن، روش قرنطینه انسانها قطعاً در تخفیف ابعاد ابتلا به ویروس کووید-۱۹ نقش مثبت ایفا کرد، اما پاسخگو نبودن دولتهای زیادی در دنیا و حتی در کشورهای پیشرفته در تامین معیشت و بهداشت و سلامت انسانها و تمیزه شدن انسانها و به هم خوردن روابط اجتماعی گسترده، اثرات مخرب معیشتی، روحی و جسمی جدی ببار آورده است.

تولید واکسن قدمی مثبت و امید بخش بود. اما رقابت موسسات سازنده واکسن و دولتهای حامی شان به جای تعاون در جهت سرعت عمل سریعتر و با کیفیت تر برای مقابله با این ویروس، لطمات انسانی جبران ناپذیری ببار آورد. در یک کلام سودپرستی سرمایه در عرصه سلامت و پزشکی از دیگر حقایق تلخ نظم وارونه کنونی و خطر اصلی علیه زندگی بشریت است.

بر خلاف پروپاگاندا وارونه، آنچه تا کنون از مصائب کرونا بیشترین لطمه را خورده است، نه سرمایه داران و کمپانیهای آنها و نه دولتهای سرمایه داری، بلکه تا هم اکنون طبقه کارگر جهانی و بخش عظیم شهروندان، فشار نتایج مخرب کرونا را تحمل کرده اند. ابرسرمایه داران و شعبات وابسته شاندر همین دوران روزمره سودهای میلیاردی به هم زده اند. تردیدی نیست ارکان پلانتفرمهای معماران نظم استثمارگر کاپیتالیستی برای غلبه بر پیامدهای کرونا، بر مبنای تامین سودجویی نجومی سرمایه و تشدید فشار بر طبقه کارگر در راستای بارآوری کار، سرشکن کردن پیامدهای مخرب رکود اقتصادی و بحران احتمالی بر کارگران و مردم محروم طراحی شده که چیزی جز گسترش بیشتر رنج و فقر و گرسنگی و بیکاری و تباهی بر طبقه کارگر و مزدبگیران و

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!

بیانیه حزب کمونست کارگری ایران - حکمتیست

اوضاع جهان، مخاطرات پیش رو، موقعیت طبقه کارگر و کمونیسم ...

قبول فجایع بیشتر محیط زیستی.

کشمکش جناحهای راست و چپ بورژوازی:

برده است و هم روند پیشروی راست فاشیست را کند کرده است. اما مخاطره میداننداری راست افراطی در آمریکا و به تبع آن در جهان کم نشده است. طبقه کارگر و دیگر مردم آزادیخواه آن را باید جدی بگیرند.

ب - سترونی و بن بست جناح چپ بورژوازی در اقتصاد و سیاست جهان!

پایبای عروج راست افراطی، شاهد سیرنزولی نقش جناح چپ بورژوازی در اقتصاد و سیاست جهانی هستیم. سترونی جناح چپ بورژوازی ریشه در منطبق شدن این چپ با سیاستهای اقتصادی راست بورژوازی دارد. طوریکه اکنون خارج از چهارچوب سیاست اقتصادی راست بورژوا، نه حرفی برای گفتن و نه ادعایی برای کارگران و اقشار و لایه های میانی بورژوازی دارد.

شيفت کردن جناح چپ بورژوازی خود را در تطبیق و مشارکت آن در پیشبرد سیاست اقتصادی راست بورژوا ترجمه کرد. تونی بلر رهبر سابق حزب کارگر تحت نام "لیبر جدید" (New Labour) اولین جاده صاف کن این راه و درپیش گرفتن این سیاست برای دیگر احزاب "کارگر" و سوسیال دمکرات در کشورهای اروپائی و از جمله احزاب سوسیال دمکرات در کشورهای اسکانديناوی شد. مشی اقتصادی تونی بلر، مبنی بر "آزادی بازار با کمی دخالت دولت"، که بعدها مورد قبول "کنفرانس جهانی داووس" نیز قرار گرفت، تئوری توجیه هماهنگی و مشارکت چپ بورژوا با سیاستهای راست خود شد. ادامه خصوصی سازی در طب عمومی توسط حزب لیبر در دوره رهبری بلر ادامه یافت. در این دوره بویژه از دو دهه قبل شاهد این تغییر شيفت در احزاب "کارگر" و سوسیال دمکرات از بریتانیا تا آلمان و فرانسه تا کشورهای اسکانديناوی هستیم. طوری که این جوامع، از جمله اسکانديناوی نیز در مقایسه با رشد بیکاری و شکاف فقر و ثروت در این جوامع تا کاهش بیمه های اجتماعی و درمانی و کاهش مراکز درمانی و بهداشتی حتی نسبت به دو دهه قبل قابل شناسایی نیستند.

ادامه سیاست اقتصادی راست بورژوازی و نتایج مخرب آن بر زندگی طبقه کارگر و دیگر اقشار کم درآمد توسط احزاب کارگر و سوسیال دمکرات، عملاً نه تنها جانی در تقلا برای اصلاحات "رفرم" و رفاه جامعه باقی نگذاشته است، بلکه حفظ بعضی از دستاوردهای بعد از جنگ جهانی دوم آنچه که به "دولت رفاه" مشهور شد را در محدود کشورهای اسکانديناوی نیز از بین برده است. چپ بورژوا مدتهاست به امید "گشایشی"، خط مشی در اپوزیسیون مانند در مقابل راست خود را پیشه کرده است. جناح چپ بورژوازی بارها نشان داده است، در مواقع رکود و بحران اقتصادی، به یاری راست بورژوازی خود

الف: موقعیت راست بورژوازی: هم اکنون راست ترین سیاستهای بورژوازی سرنوشت بشر را رقم میزند. این پدیده بدون پیشینه نبوده و از اوایل دهه هشتاد میلادی، با عروج تاجریسم و ریگانیسم در اقتصاد و سیاست جهانی شروع شد. تحمیل پائینتر از حداقل دستمزد به بخش اعظم طبقه کارگر، یورش به طب عمومی و زیر و رو کردن آن توسط بخش خصوصی، کاهش کادر پزشکی و درمانی و امکانات مقابله با بیماریهای جدید، زدن بیمه های اجتماعی و درمانی و راندن هرچه بیشتر طبقه کارگر به زندگی بسیار پائین تر و تسری آن به کل جامعه در طول چهار دهه گذشته، سیاست اقتصادی بوده، که توسط راست بورژوازی اعمال شده است. در زمینه سیاسی هم تقویت و رها کردن افسار راست و مشخصاً راست افراطی در همه کشورهای سرمایه داری محصول آن بوده است. نه فقط در کشورهای استبداد زده و متکی به کار ارزان، بلکه در آمریکا و اروپای صنعتی و پیشرفته، نیز به عمیق تر کردن هرچه بیشتر شکاف فقر و ثروت و بر بستر آن دامن زدن به شکاف عمیق طبقاتی، شکل دادن به شکافهای ملی، مذهبی، نژادی، جنسی به منظور شقه شقه کردن صفوف طبقه کارگر و تقویت ریسیسم و فاشیسم منجر شده است.

خطر راست افراطی و رشد فاشیسم را باید جدی گرفت. این ترند در کشورهای غرب عموماً بعنوان "سوپاپ اطمینان" راست در قدرت عمل میکند. مردم را مجبور میکنند از ترس راست افراطی به انتخاب راست غیر افراطی رأی بدهند. اما در ادامه ی دست بالا پیدا کردن راست ترین سیاستهای بورژوازی در همه کشورها و نتایج حاصله از آن، راست افراطی میدان عمل بیشتری پیدا کرد. عروج راست افراطی و فاشیسم قبل از هر جا در آمریکا و اروپا به عنوان کشورها و قدرتهای پیشرفته صنعتی به "دمکراسی پارلمانی" و تاثیرگذار بر جهان معاصر، محصول سیاستهای بورژوازی است. تاثیرات این پدیدهها در چهار دهه اخیر در گرایش به قدرت گیری بیش از پیش سیاستهای راست ترین جناحهای بورژوایدر پروسه های ظاهراً "مقبولیت" یافته پارلمانی و "انتخاباتی" در کشورهای غربی، شاهدیم.

دوره چهارساله دولت راسیستی ترامپ عقب گردهای جدی به جامعه آمریکا و به جامعه جهانی تحمیل کرد. شکست ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ و ناتوانی و عدم کارائی راست بورژوازی در کشورهای اروپائی در مهار ویروس کرونا و تلفات بالای آن و این اواخر تلفات بسیار زیاد سیل بویژه در آلمان، هم راست بورژوازی را زیرسؤال

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اوضاع جهان، مخاطرات پیش رو، موقعیت طبقه کارگر و کمونیسم ...

کارگر را تشدید کنند. گسترش علمی در زمینه پزشکی و فرآورده های آن هم به جای اینکه به طب مجانی، به داروی مجانی و بهداشت مجانی منجر شود به وسیله ای برای رقابت و سوداندوزی دولت و سرمایه داران بورژوا تبدیل شده است. سالیانه میلیونها انسانبه دلیل عدم دسترسی به این امکانات جان خود را از دست میدهند. اکنون به وضوح دیده میشود، پیشرفت سرسام آور و همه جانبه علم و تکنولوژی تحت کنترل سودورزی سرمایه، عمدتاً علیه زندگی شایسته انسان امروز و خیلی محدود در خدمت تامین رفاه و امنیت و فراغت و سلامت انسان بکارگرفته میشود. به این وضعیت و به این ترانزنامه کاپیتالیستی، نامی جز بربریت مدرن بورژوازیو دولتهای مربوطه نمیتوان گذاشت.

روند سوم: تشدید رقابت قدرتهای جهانی سرمایه:

رقابت قدرتهای جهانی سرمایه به هدف دست بالاپیدا کردن اقتصادی و سیاسی خود در جهان بویژه در حوزه های عمدتاً زیر نفوذ آمریکا و بردن سهم بیشتری از ارزش اضافه که با افول اقتصادی و سیاسی آمریکا شدت گرفته است، جهان را وارد دور دیگری از گسترش رقابت و میلیتاریسم و مخاطرات منتج از آن خواهد کرد. به گسترش استثمار و تحمیل فقر و فلاکت و جنگ و آوارگی بیشتری علیه زندگی اکثریت عظیمی از مردم جهان می انجامد. هدف بلاواسطه دیگر آن گسترش فضای نا امنی و رعب و وحشت در جهان و عقب راندن کمونیسم و کارگر و چپ و هر نوع آزادیخواهی و موج اعتراضاتی است که انتظار آن را دارند.

روند چهارم: پولاریزه شدن طبقاتی، اجتماعی و سیمای سیاسی و مبارزاتی جوامع!

سرنوشت جهان و بشریت نمیتواند و نباید چنین باشد که بالاتر به آن اشاره شد. سرنوشت بشریت و جهان را آمریکا، اروپای واحد، چین و روسیه و اکنون تشدید رقابت قطبهای اقتصادی و سیاسی سرمایه، تعیین خواهند کرد، همانطور که جنگ دو اردوی تروریستی، تروریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلام سیاسی، نیز تعیین نکرد. جامعه، محل و مرکز تقابل و جدال گرایشات و جنبشهای اجتماعی - طبقاتی است. این جدال قبل از اینها وجود داشته است. کشمکش شبانه روزی و بلا انقطاع تقابل آنهاست که موتور محرکه و پیشبرنده تاریخ همه جوامع بوده و هست. سرنوشت و آینده جهان و کشورهای مختلف را این کشمکش و تقابل تعیین خواهد کرد. اوضاع جدید، عقب نشینی آمریکا از افغانستان و عراق و خاورمیانهو اکنون تشدید رقابت قطبهای اقتصادی و سیاسی مدعی قدرت، خود در متن این تاریخ قرار میگيرد و معنی میشود.

پولاریزه شدن طبقاتی و اجتماعی و مبارزاتی را به طور برجستهتر متن بحران اقتصادی جهانی سال ۲۰۰۸ و در سه ساله بعد از آن به یمن اعتراضات کارگری در فرانسه و کشورهای دیگر به کاهش

میاید. نمونه های اخیر آن چپ سریزا در یونان و پودوموس در اسپانیا است. جناح چپ بورژوازی هم اکنون بی نقشی خود را در حل معضلات زندگی روزانه توده کارگر و دیگر اقشار کم درآمد، به نام ویروس کرونا در همکاری با راست بورژوا، توجیه میکنند.

روندهای در حال جریان چشم انداز تحولات اقتصادی و سیاسی

روند اول: تغییرات شگرف سرمایه داری است. روندی که در چند سال آینده و بعد از آن نیز بر سر بارآوری کار در همه ارکان تولید و توزیع ادامه خواهد یافت. این تغییرات که با مسابقه برقی کردن صنایع اتومبیل سازی و گسترش آن در ابعاد مختلف، رشد سریع تکنولوژی دیجیتال، به کارگیری تکنولوژی بسیار پیشرفته در طب، از تولید واکسن (طی کردن فاصله ده سال در یکسال) گرفته تا تولید وسایل تشخیص بسیار سریع علائم انواع بیماریها که پاندمی کرونا آن را تسریع کرده، خود را نشان میدهد. این تحولات بر سیمای جهان و مستقیماً بر کار و معیشت طبقه کارگر در تحولات اجتماعی و سیاسی جهان تاثیر میگذارد.

روند دوم: گسترش فقر و تبعیض و تشدید تناقض سرمایه داری با نیازهای زندگی شایسته انسانی امروز!

وقتی که اقلیتی انگلوسایل تولید اجتماعی را تنها به هدف کسب سود زیر سلطه خودگرفته اند، این درجه از پیشرفت و تکامل ابزار تولید با بارآوری کار به کمک وسایل بسیارپیشرفته در تولید به جای کار زنده، به جای اینکه در خدمت فراغت انسان باشد، موج بیکاری و ارتش ذخیره کار را افزایش میدهد. انباشت و تراکم سرمایه و ثروت اجتماعی در دست یک عده درقطنی، به گسترش مداوم فقر و گرسنگی و نابرابری اکثریتی عظیمدر قطنی دیگر منجر شده و منجر میشود. وقتی که دوره فراوانی را به دوره تحمیل امساک هر روزه به تولیدکنندگان واقعی سرمایه و ثروت اجتماعی و واداشتن آنان به زندگی دائمی زیر فقر تبدیل کردهاند، وقتی که جنگ و آوارگی و گرسنگی دادن را به زندگی بخش بزرگی از مردم جهان تحمیل نموده اند، بخش عظیمی از طبقه کارگر را از حقوق اقتصادی و سیاسی و اجتماعی خودتوسط ابزار سرکوب و تحمیل بورژوازی محروم کرده اند، در اکثر کشورهای سرمایه داری جهان نه تنها با ارزان نگاهداشتن کار که با ابزار سرکوب و ارعاب، آگاهانه کارگران را گرسنه نگاه میدارند تا توقع آنها را از رفاه و از تلاش در بهبودی شرایط کار و زندگی پایین بیاورند، استفاده از کار کودکان و مراکز کار بردگی مزدبیدون استثناء در همه کشورهای سرمایه داری جهان وجود دارد، لذا پیشرفتهای علمی و تکنیکی بورژوازی نیز عملاً در خدمت این است که چگونه استثمار طبقه

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اوضاع جهان، مخاطرات پیش رو، موقعیت طبقه کارگر و کمونیسم ...

اجتماعی گسترش می یابد و هرکدام پرچم راه حل های خود را در متن تحولات کنونی در جواب به وضع موجود، بالا میگیرند. اکنون دنیا و بشریت در مقابل دوراهی، از یک طرف تداوم پلاتفرم اسارتیاری بورژوازی و قطب های اصلی آنو از طرف دیگر عروج دادن راه حل رادیکال کارگری و کمونیستی با برافراشتن پرچم تحول سوسیالیستی قرار دارد. راه میان بری وجود ندارد. این دو راهی چشم انداز پیش روی تحولات سیاسی و اجتماعی آتی جهان معاصرو از آن گریزی نیست.

موقعیتو رسالت طبقه کارگر و کمونیسم در تحولات سرنوشت ساز دنیای معاصر!

طبقه کارگر هم اکنون در تولید و در تحولات اجتماعی از موقعیت قدرتمندتری نسبت به چند دهه قبل برخوردار است. تحولات جدید نه تنها از وزنه اجتماعی، مبارزاتی این طبقه کم نمیکند، بلکه وزنه این طبقه را در تحولات سیاسی آتی نیز بیشتر میکند. زیر پوست هر اعتراض به استعمار و استبداد، خواست آزادی، رفاه و عدالت اجتماعی طبقه کارگر را در آن خواهید دید. بدون تردید اگر ویروس کرونا نبود، ما شاهد گسترش اعتراض و مبارزه گسترده و کوبنده این طبقه در این دوره بودیم. هم اکنون دولتهای بورژوازی در کشورهای پیشرفته و کمتر پیش رفته، با استفاده از پاندمی کرونا، "دور از چشم" جهان، با گذراندن قوانین سفت و سخت تری در تحدید آزادیهای سیاسی و اعتراضی، دارند خود را برای رویارویی آتی با این طبقه و دیگر مردم معترض به وضع موجود آماده میکنند.

وزنه اجتماعی، مبارزاتی طبقه کارگر در سطح جهان و در کشورهای مختلف متأسفانه با حضور نمایندگان و پرچمداران کمونیسم کارگری، جنبش و تحزب کمونیستی این طبقه، در صحنه سیاسی خوانائی ندارد. این خلاء موجود در رهبری طبقه کارگر در اعتراضات و تحولات سیاسی آتی در کشورهای سرمایه داری است. دیدن خلاء رهبری رادیکال کمونیستی و پرکردن این خلاء کار جنبش کمونیسم کارگری است. کار بسیار سختی است اما کارما کمونیستهایی است که در هر لحظه منافع عمومی طبقه کارگر را نمایندگی میکنند، پاسخگویی به نیازهای مبارزاتی کمونیسم این طبقه در تغییر وضع موجود را رسالت طبقاتی خود میدانند. واضح است، پراتیک و مشغله های ماکروی سیاسی و فکری کمونیستهای ماکسیمالیست، نه قانع شدن و دلخوش کردن به صرف مقداری وقت در کارها و مشغله ها جزئی و کم تاثیر، لازمه پاسخگویی به این رسالت و در این جدال باید خود را نشان دهد.

ما فقر و تبعیض غیر قابل تحمل بر جهان را نمیپذیریم. ما به مثابه کمونیسم طبقه کارگر قصد نداریم به دور جدید میلیتاریسم و رقابت قطبهای بورژوازی که جهان را با مخاطرات جدی ای روبرو کرده اند، تن دهیم! ما برج و بارو گرداگرد اروپا و آمریکا و دیگر کشورهای سرمایه داری نمیخواهیم! ما به تبعیضات اجتماعی و شغلی و جنسی و

دستمزدها و بیکارسازیها و افزایش سن بازنشستگی، مقابله باتشدید فشار بر بخش شاغل طبقه کارگر و تحمیل سیاست "ریاضت کشی اقتصادی" از طرف دولتهای بورژوازی شاهد بودیم. شکل گیری موجی از اعتراضات علیه فقر، تبعیض و نابرابری در آمریکا و کشورهای اروپایی و آمریکای لاتین به شکل گیری اعتراضاتی علیه سرمایه موسوم به "جنبش اشغال" انجامید. این جنبش اگرچه بخشا اعتراض خرده بورژوازی را هم علیه سرمایه منعکس میکرد، با این حال جنبشی علیه وضع موجود بود و مستقیماً سرمایه داری را مسبب اوضاع ناهنجار کنونی معرفی میکرد. در فاصله کوتاهی بعدتر رویدادهای سال ۲۰۱۱ در کشورهای عربی و شمال آفریقا که "بهار عربی" نام گرفت، اعتراض کارگر و دیگر مردم معترض به وضع موجود را بیشتر رو آورد. حضور طبقه کارگر را در صحنه سیاسی و اجتماعی برجسته کرد. توانست فضای ناامیدی و یاسی را که توحش لجام گسیخته تروریسم اسلامی علیه مردم و کارگر و کمونیسم و چپ و آزادیخواهی که بعد از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ (جنگ میان دو اردوگاه تروریستی) بویژه با حمله نظامی آمریکا به افغانستان و عراق بخش وسیعی از کشورهای اسلام زده و فراتر از آن را فراگرفته بود، شکسته و تروریسم اسلامی را به درجه زیادی به حاشیه براند. کل این تحولات در سطح جهانی هرچند با خلاء افق و سیاست و رهبری سوسیالیستی موثر به فرجام مثبت نرسید، پدیده ای جدی و مساله مهم اینست، در اکثر کشورها و در همین دو دهه این جدالهای اجتماعی و اعتراضی با محوریت طبقه کارگر و مردم محروم علیه سرمایه داری به عنوان منشاء فقر و تبعیض و نابرابری است که در تلاش تغییر وضع موجود است.

در تقابل با وضع موجود، مبارزه و اعتراض، علیرغم کشنده بودن و لطمات وسیع ویروس کرونا، مداوماً موجود و ادامه داشته است. بروزات خشم شدید معترضین در اعتراضاتی که حتی بر سر مطالبات ساده اجتماعی شاهد آیم، بیانگر تنفر و انزجار عمیق توده کارگر بویژه نسل جوان امروز از وضع موجود و از دولتها و طبقه حاکمه بورژوازی حامی آنها است.

فجایع و مصائبی که از سر و روی سرمایه داری می بارد، از نظر خود سرمایه داران و سخنگویان و پژوهشگران و مصلحین سرمایه نیز پنهان نمانده است و به آن اذعان میکنند. لذا آنان را به صرافت "تغییراتی اساسی"، از نظر خود، در سیستم سرمایه داری انداخته است. مصلحین و طرفداران رفرف در آن، در عین حال به هدف تیرئه کردن کلیت سرمایه داری، گناه وضع موجود را به گردن "نئولیبرالیسم" می اندازند تا نهایتاً به بحران سیاسی و انقلاب کارگری منجر نشود.

آنچه معلومست جوامع پولاریزه تر و کشمکش گرایشات طبقاتی و

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اوضاع جهان، مخاطرات پیش رو، موقعیت طبقه کارگر و کمونیسم ...

جامعه ایران در آستانه تحولات سرنوشت سازی قرار گرفته است. ما بر نقش تاریخساز طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری در شکل دادن به آینده ایران و فرصت کم نظیری که برای ایفای نقش کارگر و کمونیسم بعنوان رهبر یک جنبش عظیم برای آزادی و برابری در ایران فراهم شده واقفیم. قطعا وقوع چنین تحول انقلابی و رادیکال اثرات جهانی و منطقه ای مهمی را بدنبال خواهد داشت. این سراسر ترین مسیر و راه حل امید بخش تحول سوسیالیستی در مقابل ما کمونیسم کارگری متحزب در ایران است. اما واضح است به فرجام رساندن چنین تحول سرنوشت ساز در گرو تامین رهبری کمونیستی ای است که تماما به پراتیک کارگران رادیکال سوسیالیست جنبش کمونیسم کارگری علی العموم و حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیستعلی الخصوص گره خورده است.

اکتبر ۲۰۲۱

ملی و مذهبی و نژادی و راسیسم و قومپرستی گردن نمیگذاریم! ما در خاورمیانه قصد نداریم اسلام سیاسی و حکومتهای اسلامی را تحمل کنیم، افغانستان را زیر دست باند آدمکش طالبان رها کنیم! ما قصد نداریم به بی کشوری مردم فلسطین و سرکوب هرروزه شان رضایت بدهیم! ما سیاست سرنگونی حکومتهای بورژوایی و اسلامی و مستبد و پلیسی را داریم! ما عروج نسلی جدید از احزاب کمونیستی کارگری و انقلابی و مارکسیست را از نیازهای حیاتی این دوره مهم تاریخ بشر میدانیم! ما طبقه کارگر و مردم آزاداندیش جهان را به سوسیالیسم بعنوان تنها راه نجات بشریت فرامیخوانیم!

لکنون چشم انداز تحولات بزرگ در ایران، حضور گسترده و تعیین کننده بالفعل و بالقوه طبقه کارگر در آن و خوش نام بودن و نفوذ کمونیسم و کارگر در جامعه ایران وجود کمونیسم متشکل و حزب ما در بطن این تحولات، شانس تامین رهبری کمونیستی بر این تحولات و عروج آلترناتیو کمونیستی را بیش از هر کشوری در دنیا فراهم کرده است.

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!



Statement by the Worker-communist party of Iran – Hekmatist on

The present state of the world, the dangers ahead, and the position of the working class and communism

Approved by the 43rd Plenum of the Central Committee of the Worker-communist party of Iran – Hekmatist, October 2021


The world is currently going through tremendous changes unprecedented even compared with the few decades prior. The extreme exploitative functioning of capitalism has exacerbated, on the one hand, the poverty, hunger, discrimination, inequality and deprivation of billions of people from the most basic necessities of life on a daily basis, and has resulted, on the other hand, in the politico-economic conflicts of interest that have, in turn, often entailed military actions, both direct and proxy, on the part of the big capitalist powers. The devastating global, regional and local consequences of capitalist practice and its resulting conflicts, the spread of state and non-state terrorism and the resulting proxy wars, intensified by the decline of the US economic and political position in the world, has brought the humanity face to face with a perilous present as well as future. The world is going through another round of hardship and suffering caused by the ruling topsy-turvy capitalist order.

The current fierce rivalry is precisely a reflection of this situation which, at a deeper level, is itself a reflection of the growing competition between capitalist economic giants over greater shares of the surplus-value, that is, the profit produced by the working class. The intensification of competition and conflict over achieving higher levels of productivity through rapid growth of the digital technology, the unprecedented use of highly advanced robots and computer systems in production as well as distribution, and the existence of such phenomena as competition in the field of space tourism, are telltales of the intensifying struggle for greater shares of the world's wealth as a result of the greedy profiteering of powerful capitalists assisted by their subordinate governments. These developments are transpiring in a world that has never been so intertwined before. The complete internationalization, i.e., the globalization, of capitalism accompanied with the astonishing progress in communication and transportation has, indeed, turned our world into a small global village.

We are witnessing the results of the bourgeoisie's incessant, destructive struggle for ever more accumulation and concentration of capital in the form of enormous dimensions of hardship and suffering inflicted on the working class and other low-income strata of the population in the midst of the present unprecedented abundance in human history. The poverty suffered by billions of people, on the one hand, and the astounding accumulation of capital and social wealth in the hands of fewer and fewer capitalists—supported by the state and its repression apparatus, and propped up by innumerable tools of brain wash—on the other, depict the totality of the upside-down capitalist world. The profound contradiction between the capitalist mode of production and the needs of billions of people to enjoy a decent standard of living is becoming more and more apparent. This is the most fundamental problem in the world today.

The working class has no other path to liberating itself but to unite and overthrow the foundations of the present inverted order, that is, to abolish wage labor wherever possible, i.e., in the weakest links of the bourgeois world, and thereby liberate itself together with the rest of society from the daily destruction caused by the prevailing capitalist mode of production. Otherwise, i.e., as long as the means of social production, and therefore the social production itself, are in possession of the bourgeoisie for profit, this situation will last, and only deteriorate. The only way to end these conditions is, therefore, to abolish wage labor, abolish private property, abolish classes, abolish all forms of discrimination and end human alienation by overthrowing the rule of capital and the capitalist class and to establish a workers state, a new socialist order.

The end of a “multi-polar world” and the decline of the United States

The decline of US economic and political position following the end of the East-West bipolar 

Statement by the Worker-communist party of Iran – Hekmatist on

The present state of the world, the dangers ahead, and the position of the working class and communism ...

world, the failure of the strategy of US military hegemony over the world and the demise of the "new world order" that secured the US withdrawal from Afghanistan, Iraq and the Middle East, in general, has brought to the fore new and expanding economic, political and military treaties and alliances with the other poles that, together with the United States, used to form the Western Bloc. The devastating consequences of a not-firmly-established multi-polar world—just like the catastrophic fall outs of the firmly established defunct bipolar world—are being felt through joint military maneuvers by the US Western allies, as well as through their wheeling and dealing with reactionary allies in different regions of the world. The inevitable consequent arms races have not remained limited to those between the US and its rivals such as China and Russia, but have also involved the Western bourgeois camp, that is, they have fueled the arms races between the bourgeois states of European Union, the NATO members, and the United States.

China, Russia, the EU, Japan, India, and their allies at the global, regional, and local levels are all advancing this scenario against the whole humanity. China is the rising 21st century bourgeois imperialist pole. It is a tyrannical police state ruling a completely closed society, relying on the super-cheap labor of the working class that has entered the arena made of the said web of competitions and rivalries, especially on the economic front, and aspires to become the world's strongest economic power. China, benefitting both from the cheap labor of the less developed countries and the forcibly cheap labor of the hundreds of millions of native Chinese workers, imposes low wages and reduced standards of living on the working classes of other countries, especially the Western countries. It has thereby re-enforced the interests of the bourgeois classes against those of the working classes within those countries.

Russia under Putin's rule is incapable of effective global economic competition, and relies heavily on aggressive military might, as China's ally. These two states overtly support the cruel authoritarian bourgeois states against the workers, against the communists and against the democratic movements under the guise of competing

with the United States and other Western powers. The bourgeois-imperialist powers of the West have set the world on a path of retrogression.

the world's hotbeds of conflict

The rivalries between economic/political powers have had, and still have, direct repercussions on [the world's hotbeds of conflict](#). The descending position of the United States and the ascending politico-economic influence of China have severely impacted global equations. The consequences of the conflicts between the great politico-economic poles of the world are palpable in the main hotbeds of conflict, that is, in the Middle East, Southeast Asia and other tension-stricken regions such as Latin America and Africa, as well as in the Western world itself.

Middle East: The main focus of old and new problems

The tension-stricken Middle East, burdened with significant geo-political and economic interests of the bourgeois poles of the world, as well as the age-old unresolved Palestinian problem, the spread of political Islam, or Islamism, the conflict between the state terrorism and the Islamist terrorism, and the terrorism of the gangster regime ruling in Iran which has expanded over the region and beyond, is still the world's most critical conflict hotbed. Despite the smoke screen put up by the big bourgeois powers and their media, the most fundamental contradiction, the "eternal" crisis, as it were, in the Middle East remains to be the ever-widening gap between the poor and the rich, and the resulting exponentially growing dissatisfaction with the status quo. The latter has, in turn, remained unresolved due to the absence of radical horizons and leadership, in general, and, due to having been smothered by old and new ethnic and religious conflicts and wars, in particular.

Notwithstanding the trends, equations and plans of the reactionary bourgeois powers to shape a new order in the Middle East, where China and Russian militarism too have now got involved—thanks to the



Statement by the Worker-communist party of Iran – Hekmatist on

The present state of the world, the dangers ahead, and the position of the working class and communism ...

failures of the US government and its consequent retreat—as long as there exists the concurrent existence of abject poverty of hundreds of millions of people and the brutal tyranny and terrorism of super reactionary governments ruling them, on the one side, and the existence of state terrorism of the big powers and their allies, on the other side, that region will remain the unique focus of crisis of our times. It is the fundamental problem of the Middle East rooted in the vested interests of all of the big capitalist powers as well as the reactionary ethnic and religious dictatorships directly ruling in the countries of the regions.

Resolving the Palestinian issue through the establishment of an independent, sovereign Palestinian state on a par with the existing Israeli state will be an immediate, radical solution that will put an end to the problem of Islamist terrorism versus the Israeli state terrorism. For it will finally exhaust the source that has fueled the conflicts of those two, as well as the world-wide expansion of Islamist terrorism, that have dragged out for decades at the cost of the humane interests of the people in Palestine, in Israel, and in the world at large. All of the said developments are partly contingent, of course, on the cessation of the on-going unlimited and unconditional support of the US and its allies for the Israeli coercion against the Palestinian people.

The expectation was that in the absence of extremists' activities the two sides would resolve the issue. However, the return of state terrorism of the religious-ethnic extremists to power in Israel under Sharon and then Netanyahu, and, at the same time, disruptive activities by terrorist groups in Gaza (Hamas and Islamic Jihad) against the Oslo Accords made the project of two-state solution null and void.

Now the coercive big powers and the reactionary governments of the region deliberately highlight the unity and harmony between Arabs and Israelis as supposedly reflected in the Abraham Accords, under the pretext of terrorism of the Islamic Republic. In this equation the age old issue of "rights of the Palestinian people" has been sacrificed, that is, marginalized again, which will only lead to preserving the Palestinian issue as a bone of contention as well as a source serving the continuation of

Islamist terrorism,

Southeast Asia

Here is yet another focus of crisis that has provided, and will increasingly provide, the field for a tug of war between the US and China as well as their regional allies. The US effort to make up for its declining position with the military showdown against China in the region together with its allies, specifically the recent AUKUS military pact between the US, Britain and Australia, reflects the Sino-US economic and political conflict elsewhere. It is going to turn this region into another high-risk hub of crisis. Among all Southeast Asian conflicts, Taiwan and its future is another outstanding hot-spot of this era. China and Western countries are persistent in their claiming it, and are quite aware of its cost.

Volatile societies and their forgotten plights

Africa

The deep economic problems of the daily lives of millions of people, the deep and painful social and human crises are at play on the African continent more than anywhere else in the world, and are being deliberately marginalized. Behind all the wars and the resulting poverty and displacement and starvation of the people of this continent lie the crushing interests of the governments and various sections of the bourgeoisie of these countries. They also benefit from all existing religious and tribal conflicts. The suffering, the displacement and the gradual death of countless people on the African continent, which are occasionally reflected in the media, are another disgrace to the insatiable money-grubbing capitalist world order and all its agents.

Latin America

Here is yet another forsaken region stricken with turmoil, oppression and exploitation. American supported corrupt, murderous military dictatorships were forced upon the people of the sub-continent especially in post-world-war-two era. The bourgeois socialist regimes that came to power on "anti-imperialist" →

Statement by the Worker-communist party of Iran – Hekmatist on

The present state of the world, the dangers ahead, and the position of the working class and communism ...

platforms in Cuba, Nicaragua, Venezuela and some other countries, despite efforts to implement some sporadic reforms, not only failed—fundamentally due to the bourgeois content of their platforms and in part under US economic sanctions—to bring about viable permanent improvements in the people's lives but their rule has been accompanied with increasing poverty of the masses. The existing authoritarian governments, instead of improving the living conditions of the working class and other disadvantaged strata of their population, have spent most of their income on suppressing and silencing the protests of the vast majority of the people, thereby supporting the bourgeoisie classes. Daily mass migrations in search of means of day-to-day survival is the product of the anti-labor policies of these bourgeois governments.

Capitalism and mass human catastrophes

Covid pandemic disaster

The spread of the Covid 19 has had devastating effects on the health and livelihood of billions of people across the world. The pandemic has revealed the supremacy of capitalist greed over the sanctity of human life. It has also brought to light the unpreparedness and the inability of large and small capitalist governments in coping with it. The pandemic has turned the critical issues of health, livelihood and employment into daily life-and-death issues for especially the poor. In the absence of medical and health facilities as well as delays in the delivery of vaccines, the human quarantine method has certainly played a positive role in slowing the spread of the virus, but the sluggish response or total unresponsiveness of many governments in providing health and basic necessities of life, even in developed countries, accompanied with the unbearable isolation of people and extensive disruption of social relations have had devastating effects on the people's physical and emotional well-being across the world.

The production of vaccine was a positive and promising step. However, the competition between vaccine manufacturers and their sponsoring governments has caused irreparable human damage, instead of cooperating for

faster and more efficient action to combat the virus. The result has been mass, irreparable damage to humanity. In a nutshell, the insatiable hunger of capital for profit and its adverse impact on human health is yet another characteristic of the inverted capitalist order as the chief adversary of human well-being.

Contrary to bourgeois false propaganda torrent, those who have hitherto suffered the most from the pandemic are neither the capitalists' companies nor the capitalist governments, but the world working class and the vast majority of ordinary citizens. The giant, super-rich corporations and their affiliates have made billions in profits on a daily basis in this same period. There is no doubt that the planks of the platforms designed by the architects of this exploitative order are designed to overcome the consequences of the pandemic in such a way to secure the astronomical profits through higher productivity as well as intensity of labor, the result of which will be higher degrees of poverty, hunger, unemployment and degradation for the wage earners and deprived masses.

The environment.

The destruction of the environment and the current catastrophes resulting from it are additional serious perils facing humanity. The issue of the environment is yet another case that brings to light the hypocrisy and demagoguery of all bourgeois states and capitalist classes. From the Paris Agreement and the final applause of the participants for themselves and the following showboats, to the 26th UN Climate Change Conference of the Parties (COP26) that was held in Glasgow late last year, to the empty promises made to the people of the world about "preserving" the environment, are all glaring manifestations of the bourgeois hypocrisy. The environmental dilemma is the result of the process of capitalist production aimed solely at making profit, a process that has and continues to have devastating effects on the environment and all aspects of life on the planet. As long as this process exists, the destruction of the environment will continue.

There has always existed a harmonious re- →

Statement by the Worker-communist party of Iran – Hekmatist on

The present state of the world, the dangers ahead, and the position of the working class and communism ...

relationship between man and nature. Ever since humans began to produce their livelihood and necessities of daily life, and changed the materials of the earth for this purpose with their tools and industry, they have expressed this harmony and unity with nature. Capitalism has severed this relationship for profit. Concrete, tangible nature has no obligation to humans. It is humans who are committed to nature and its preservation in order to produce their livelihood and material conditions of life. Expecting the preservation of the environment from the capitalist classes and their states is an absurd, illusory expectation. Preservation of the environment and humans' commitment to it are deeply tied to the economic, social and cultural well-being of the members of an equitable society. In Scandinavian countries where people have enjoyed a certain degree of such moral and physical welfare, protection of the environment has also become to some extent an established social tradition.

As long as the means and the process of production are in possession of a small minority for the purpose of profit making, and not for the purpose of meeting the needs of the people, the promises and pretensions of that minority will, necessarily, be empty and hypocritical. In this respect, like other respects of social life, any effort to alleviate environmental calamities is contingent on the efforts of rights-and freedom movements. In recent times repelling the barbarism of capital against nature as well as life in general, has been particularly tied to grass-root mobilizations by the youth. There is, however, definitely no definitive course that can lead to saving the environment as long as capitalism prevails. Securing a healthy environment depends, like other aspects of life discussed above, on the final blow to the prevailing inverted capitalist order. "Green capitalism" is an illusion; here too one must choose, either to put an end to capitalism or to expect more environmental catastrophes.

Conflict of the Right and Left factions of the world bourgeoisie

a: the condition of the Right faction

The destiny of humanity is presently in the hands of the Right of the world bourgeoisie. It is not a new phenome-

non, though. It began in the early 80s with the rise of Thatcherism, followed by its adoption by Reagan in the States, and soon positioned itself in command of the global economy and politics. Incessant attacks on the standards of living of the working class aimed at reducing it to a bare minimum, all-round attacks on the nationalized health systems wherever they existed, forcing increasingly lower levels of income on the wage earning classes at large, and the adoption of numerous similar brutal politico-economic measures during the past four decades, they have all been put into practice by the bourgeoisie's Right faction that has been at the helm. Such widespread economic attacks have been politically accompanied with allowing the Right, especially the far Right, currents and organizations free rein in all developed countries. Not only in countries ruled by overt dictatorial regimes securing super-cheap labor for making super-profits by multi-national corporations, but also in the developed, so-called democratic countries, the ensuing deepening gap between the haves and the have-nots, i.e., increasingly widening class differences, have been at the root of inciting ethnic, religious, racial conflicts. The latter phenomena have, in turn, been the root cause of further divisions within the working class and have thereby paved the way for the growth of overtly fascist tendencies in countries across the world.

The danger of the far Right and the rise of fascism must be taken seriously. This trend acts in Western countries generally as a "safety valve" at the service of Right that is already in power. People are forced to vote for the non-far Right out of fear of the far Right. But as the far right-wing policies of the bourgeoisie in all countries have got the upper and their consequences continued to prevail, the far Right has gained more ground. The rise of the far Right and fascism is the product of bourgeois politics, first and foremost in the United States and Europe as advanced industrial countries most influential in the contemporary world that are governed through "parliamentary democratic" apparatus. We have seen the effects of this phenomenon in the last four decades on the tendency of the policies of the most right-wing bourgeois factions to gain increasing pow- →

Statement by the Worker-communist party of Iran – Hekmatist on

The present state of the world, the dangers ahead, and the position of the working class and communism ...

erthrough the seemingly "popular" parliamentary and "electoral" processes in the Western countries.

The four-year term of the Trump racist administration has imposed serious setbacks on American society and the international community. Trump's defeat in the 2020 election as well as the inability and incompetence of the bourgeois Right in European countries to curb the Covid 19 pandemic and its high casualties, and the recent massive flood casualties, especially in Germany, have caused widespread dissatisfaction among citizens. As a result, this have both called into question the bourgeois Right and slowed down the growth of the fascist currents. But the risk of far-right having the upper hand in the United States and, consequently, around the world, has not diminished. The working class and other freedom-loving people must take the peril very seriously.

b: the bourgeois Left has become sterile as a result of the deadlock it has reached in regards to the world economy and politics

At the heels of the rise of the far Right we are witnessing the decline of the role of the left-wing of the bourgeoisie in global economy and politics. Its sterility is rooted in its putting up with and accommodating the economic policies of the Right, to the extent that it has now no worthy non-right platforms for the betterment of the condition neither of the working classes or the lower middle classes, for that matter, nor does it have any claims to the contrary.


The shifting of the left wing of the bourgeoisie to the right could only mean, in practice, complicity in the advancement of right-wing economic policies of the Right faction of bourgeoisie. Tony Blair, former Labor Party leader, became the first to pave the way for other Social Democrat parties in Europe, including the Scandinavian Social Democrats, to move along that path. Tony Blair's economic policy of "free market and little government intervention", which was later adopted by World Economic Forum in Davos, provided a theoretical justification for the bourgeois Left's co-operation in the implementation of right-wing policies. Privatization of the National Health Service by the Labor Party continued under

Blair. We have been witnessing this shift in Labor Party in Britain as well as Social Democrat parties on the continent, e.g., in Germany, France and Scandinavian countries. As a result of that pronounced process even Scandinavian countries as former Social Democratic countries have now become unrecognizable, compared even to two decades prior, due to their astounding high unemployment, the widening of the gap between the rich and the poor, declining health services in quantity as well as quality, and so on.

The continuation of the right-wing economic policies, by the British Labor Party as well as continental Social Democratic parties, and their destructive results on the life of the working class and other low-income strata have left virtually no room for any "reforms", to the extent that the post-war achievements of the working class that culminated in creation of so-called "welfare states" have been drastically wiped out in the Scandinavian countries as welfare states *par excellence*. The bourgeois Left has long pursued the policy of staying motionless in opposition to the Right, hoping for a window of opportunity. It has repeatedly shown that it comes to the aid of the bourgeois Right in times of economic recession and general crisis. Recent examples are the left parties such as Syriza in Greece and Podemos in Spain. The Left wing of the bourgeoisie is currently justifying its lacking in effective plans to resolve urgent livelihood issues of the working class and other low-income strata by its supposedly co-operation with the bourgeois Right in defeating the Covid 19 pandemic.

Ongoing trends and prospects of economic and political developments

The first trend: tremendous changes in capitalism

It is the trend of the growth of labor productivity that will continue in the next few years and beyond. These developments are already manifested in the automobile industry' shift to producing electrical vehicles, the rapid growth of digital technology, the use of highly advanced technologies in medicine, from production of vaccines (over a period of ten years to a 

Statement by the Worker-communist party of Iran – Hekmatist on

The present state of the world, the dangers ahead, and the position of the working class and communism ...

year) to the production of devices for quickly diagnosing diseases accelerated by the corona pandemic. These developments will radically change the world. They directly affect the work and livelihood of the working class and will thereby bring about critical social, political and economic developments across the world.

The second trend: the spread of poverty and discrimination and the intensification of the antagonism between the capitalist mode of production and provision of necessary means for decent standards of living for citizens

Today a parasitic minority controls the means of social production for the sole purpose of profit making. As a result the increasing progress in efficacy of the means of production through higher and higher degrees of labor-productivity necessarily translates into the replacement of living labor with dead labor, i.e., machinery. Such progress, therefore, instead of freeing more time to be utilized in all-round development of citizens, that is, the producers, results in wider unemployment, i.e., in creation and the expansion of a reserved army of unemployed. That is the root cause of increasing accumulation and concentration of capital as well as means of enjoying life in the hands of a small minority, at one pole, and accumulation of all-round deprivation at the other.


In today's world prosperity has been replaced by austerity for the real producers of capital and social wealth; war, displacement and starvation have increasingly become commonplace phenomena in the lives of larger and larger portions of the world's population; the global working class is being more and more oppressed physically, emotionally and spiritually at the hands of bourgeois dictatorial states in order solely to repress its aspirations and thereby lower its wages; exploiting child labor as well as covert slave labor is widely practiced unexceptionally across the capitalist world. It is, therefore, only natural that the scientific and technological advances are appropriated by the bourgeoisie as the means for intensifying the exploitation of the working class. Similarly, advances in the medical and pharmaceutical fields, instead of leading to free health, free medical care and free medicines, have become means of competition over greater profits by the bourgeois states and the capitalist

classes. On the other hand, millions of people die every year due to lack of free access to these services. It is now clear that the staggering and all-encompassing advancement of science and technology at the possession of the capitalist class is being exploited for the most part as if against the well-being of humanity and not at the service of humanity. Today's world condition can, therefore, be designated only as bourgeois barbarism.

The third trend: intensifying competition between the world capitalist powers

The rivalries between capitalist powers, especially in regions known as American spheres of influence, aimed at increasing their global economic and political power and gaining greater share of profits, which has intensified with the economic and political decline of the United States, have been elevated to higher and higher levels of fierce competition as well as militarism. This can only mean greater peril to human as well as natural life. It will lead to more exploitation which will, in turn, translate into more poverty, misery, war and displacement for humans and sheer havoc for nature. Another immediate intended byproduct is the creation of an atmosphere of insecurity and terror in the world and keeping at bay the intensification of workers' struggles, any Left grass root mobilization and, ultimately, the rise of communism.

The fourth trend: class and social polarization; the political image of countries across the world and the struggles within them

The destiny of humanity cannot and should not be as described and predicted above. The fate of humanity and the future image of the world shall not be determined by the United States, European Union, China and Russia, and now by the intensifying rivalry between the economic and political capitalist poles, in the same way as the war between two terrorist camps, i.e., US state terrorism and political Islam terrorism, could not determine it. Society is the field where confrontation of socio-class tendencies and movements is materialized. This confrontation has existed for- 

Statement by the Worker-communist party of Iran – Hekmatist on

The present state of the world, the dangers ahead, and the position of the working class and communism ...

ever. It is, has been, and will be the driving force of the history of all societies. It determines the future of all countries, and thereby the world. The new situation, the US withdrawal from Afghanistan, Iraq and the Middle East, and now the intensification of the rivalry between the economic and political poles claiming power, they all transpire and make sense only within this socio-historical context.

Class and social polarizations were highlighted against the backdrop of the global economic crisis of 2008 and during the three following years thanks to labor protests in France and other countries over declining wages, rising unemployment, raising the retirement age, and standing up to economic austerity policies. A wave of protests against poverty, discrimination and inequality in the United States, Europe and Latin America led to the formation of particular protests against capitalism that came to be known as "occupation movement". This movement, although partly reflected the protest of the petty bourgeoisie against big, monopoly capitalism, was nevertheless a movement against the status quo and directly blamed capitalism for the current freakish condition of the working classes as well as the world at large. Shortly after the events of 2011 in the Arab and North African countries—later entitled "the Arab Spring"—protests by workers and other social strata intensified. It highlighted the militant presence of the working class in the economic and socio-political arenas. It led to the set back of pessimism and despair previously created by unbridled brutality of Islamist terrorism against the working class, the society at large, as well as the Left and communist movement that after September 11, 2001 (the starting point of war between the two terrorist camps), and especially through the US military invasion of Afghanistan and then Iraq, that had hit a large part of Islamic countries beyond. All of those developments, despite their final demise due to being devoid of any truly effective socialist leadership or aspiration, have constituted a new, truly significant reality. That new reality consists in the serious challenges of capitalism as the source of all misery and inequality made by the deprived masses of working people during the past two decades aimed at radically changing the status quo.

Despite the current situation, struggles and protests have continued given the deadly effects of the pandemic. The intense anger of the protest over the most basic social demands manifests the deep hatred and disgust of the working masses, especially their younger generations, for the status quo and the bourgeoisie governments as its guardian.

The catastrophes and calamities that have inundated capitalism have not remained hidden to the capitalists, their ideologues, researchers and the reformers. As a matter of fact they admit them and the admission has led them to talking about the necessity of bringing about "fundamental changes" in the capitalist order of the world. At the same time, in order to acquit capitalism as a whole, the reformers blame the current situation on "neo-liberal policies" so that the protests may not ultimately lead to political crises and workers' revolutions.

So much is clear that social polarizations and consequent conflicts between various classes and antagonistic social tendencies will continue to grow, and each of them will raise its salvation platform. The humanity is now at a crossroads. On the one hand we have the continued existence of slavish bourgeois platforms suggested by its main poles and, on the other hand, the rise of the radical workers' and communist solution written on the banner of the necessity for a socialist transformation of society. There is no shortcut. The two chief Left and Right perspectives of the future political and social developments of the contemporary world, and their resulting clash, are just inevitable.

The position and mission of the working class and communism in the fateful developments of the contemporary world

The working class now occupies a stronger position in production and social change than it did a few decades ago. New developments not only do not weaken its social position and, therefore, its power of struggle, but promotes its decisive role in the future political developments. Scratch the surface of any protest against exploitation and tyranny, and you will see the →

Statement by the Worker-communist party of Iran – Hekmatist on

The present state of the world, the dangers ahead, and the position of the working class and communism ...

desire for freedom, welfare and social justice. Undoubtedly, had there been no Covid pandemic, we would have witnessed widespread protests and struggles of the working class during this period. Bourgeois governments in developed as well as less developed countries are now utilizing the pandemic as a cover to covertly pass stricter laws restricting political liberties and protest freedoms in order to prepare themselves for the future inevitable class confrontations.

The social weight and power of struggle of the working class across the world is, unfortunately, not proportional to the presence of representatives, leaders and organizations of Worker-communism, i.e., true, working class communism. This is what is lacking in the leadership of the working class in future protests and political developments. Appreciating and filling that gap is the work of the Worker-communist movement. It is very hard work, but it is a job for us Worker-communists who represent the interests of the working class as a whole and at all times. It is clear that being successful in doing the responsibilities necessitated by that historical mission is conditioned by being able to shoulder macro practical-and theoretical challenges, and not being content with getting involved and waste time on petty preoccupations that bring about only minute, insignificant results.

We do not accept the intolerable discrimination and the poverty prevailing the world today. As Worker-communist activists we do not intend to accept the new round of militarism and competition of the bourgeois poles who have confronted the world with fatally serious perils. We do not want walls and fortifications around Europe and America and other capitalist countries. We do not accept social, occupational, sexual, religious, racial and ethnic discriminations. We do not intend to tolerate either Islamism or Islamist governments in the Middle East. We do not intend to leave Afghanistan in the hands of the murderous Taliban. We do not intend to consent to the statelessness of the Palestinian people and their daily repression by the Israeli government. Our policy is overthrowing bourgeois, Islamist, authoritarian and police states. We consider the rise of a new generation of working-class revolutionary communist parties as one of

the vital needs of this important era in human history. We call on the working class and the free-thinking, freedom-loving people of the world to adopt the socialist standpoint as the only way to save humanity.

Now, in the Iranian society the prospect of great, radical changes conditioned by the extensive and decisive presence of the working class at the center of economic and socio-political developments, the influence and popularity of the working-class movement as the standard bearer of anti-regime protests and rights movements across the board and the accompanying communist ideology that has become increasingly identified as the working-class ideology, the existence of organized communism, in general, and the active presence of our party in the midst of all developments, these are all favorable factors that have paved the way in Iran, more than any other country in the world today, for the advent of an alternative, communist solution as well as a genuine communist leadership needed to materialize it. Iran is on the verge of fateful changes. We are quite conscious of the present unique opportunity that has been provided for the working class and its communist movement to play their role in shaping the future of the country. The occurrence of such a revolutionary and the subsequent radical changes it will cause will have deep regional as well as global impacts. This is the most direct and promising path open to us as activists of organized Worker-communist movement in Iran to effect a total socialist transformation. It is equally clear, however, that the completion of such a critical transformation depends on the provision of a communist leadership, which will, in turn, be contingent on the practical activities of radical socialist workers belonging in the Worker-communist movement, in general, and the activists organized in the Worker-communist Party of Iran – Hekmatist, in particular.

October 2021

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

jamalkamangar@yahoo.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienszade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

Worker-communist Party - Hekmatist

در همبستگی با اعتراضات گسترده
زندانیان سیاسی و در محکومیت قتل عمد
بکتاش آبتین، شاعر و نویسنده متعهد
توسط جمهوری اسلامی به خیابان بیایم!



تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

کارگران و معلمان زندانی،

کلیه زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!

زنده باد سوسیالیسم!